

استعاره‌های جهتی در قرآن با رویکرد شناختی

فاطمه یگانه^{۱*}، آزیتا افراشی^۲

۱. کارشناس ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران
۲. دانشیار زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران

پذیرش: ۹۳/۸/۴

دریافت: ۹۳/۴/۱

چکیده

مقاله حاضر به این پرسش اصلی می‌پردازد که بیان استعاری قرآن تا چه میزان مبتنی بر به‌کارگیری الفاظ جهتی در معنی استعاری است. تحلیل‌های مقاله، مبتنی بر طبقه‌بندی استعاره‌های مفهومی جهتی در نظریه معاصر استعاره است. از آنجاکه تجربه و درک مفاهیم مکان و جهت به‌لحاظ شناختی از جایگاهی بنیادی برخوردارند، این پرسش مطرح است که این مفاهیم چگونه در قرآن برای دریافت مفاهیم پیچیده تر به‌کار رفته‌اند. برای پاسخگویی به این پرسش، در نرم‌افزار جامع‌التفاسیر نور (۱۳۹۰)، با کلید واژه‌های «فوق، تحت، وراء، خلف، امام، یمین، شمال» جست‌وجو شد و آیاتی که در آن‌ها این مفاهیم جهتی در ساخت استعاره به‌کار رفته بود، در کل قرآن مشخص شد. با این شیوه شصت شاهد به‌دست آمد که در آن‌ها جهت‌ها به‌عنوان حوزه‌های شناختی مبداء، در بیان استعاری قرآن به‌کار رفته بودند تا مفاهیم انتزاعی و پیچیده‌ای چون «منزلت، برتری، زمان، خیر و برکت» و جز آن توصیف و قابل درک شوند. تحلیل داده‌های مقاله حاضر شیوه‌های کاربرد منحصر به فردی را از واژه‌های جهت‌نما، در نقش استعاری در قرآن می‌نمایاند که می‌تواند به‌مثابه یکی از ویژگی‌های معناشناختی قرآن معرفی گردد. این پژوهش، زمینه‌ساز پژوهش‌های آینده خواهد بود که از آن‌میان، می‌توان به پژوهش‌هایی درباره بررسی شیوه‌های بازنمایی زمان از منظر معنی‌شناسی شناختی در قرآن کریم اشاره کرد.

کلیدواژه‌ها: قرآن، استعاره مفهومی، استعاره جهتی، پژوهش پیکره‌ای، حوزه مبداء/ مقصد.

۱. مقدمه

انتشار کتاب *استعاره، چیزی که با آن زندگی می‌کنیم*^۱، اثر لیکاف^۲ و جانسون^۳ (۱۹۸۰) و نیز *نظریه معاصر استعاره*^۴ از لیکاف (۱۹۹۳)، تحولی در دریافت مفهوم استعاره پدید آورد. آنچه به عنوان نظریه جدید استعاره در نتیجه انتشار این دو اثر شکل گرفت، نه تنها موجب بازنگری مفاهیم استعاره و مجاز در مطالعات ادبی شد، بلکه این موضوع مهم و با سابقه را احیا کرد که چگونه مفاهیمی که به تجربه مادی در نمی‌آیند، برای انسان قابل درک است.

نظریه جدید استعاره، به این مسئله می‌پردازد که فرایند تفکر و درک، ماهیتی استعاری دارد. در این نظریه، ماهیت استعاری اندیشه و درک، با توجه به شناخت و تجربه انسان از پدیده‌ها و جهان اطرافش و حضور فیزیکی او در چنین محیطی تبیین می‌شود؛ این تجربیات به مثابه حوزه‌های مبدأ عمل می‌کنند تا درک مفاهیم انتزاعی‌ای میسر گردد که در این نظریه، جایگاه آن‌ها در حوزه مقصد است. برای نمونه، انسان‌ها در هر جایی که متولد شوند و با هر زبان و فرهنگی، مفهوم مکان را درمی‌یابند. مفهوم مکان جزو بنیادی‌ترین مفاهیم قابل تجربه است. همان‌طور که دانسته است، مکان در زمره مقولات ده‌گانه است که نخستین بار ارسطو (۱۳۸۳) در رساله *مقولات* معرفی کرد. از ویژگی‌های مکان، جهت است. دریافت انسان از جهت‌ها، موجب می‌گردد تا او بتواند بسیاری از مفاهیم انتزاعی را نیز بر مبنای درک مفهوم جهت دریابد. برای روشن شدن موضوع به جمله‌های زیر و واژه‌های جهت‌نما که با قلم سیاه نوشته شده‌اند، دقت کنید:

خوشبختی خودت را روی بدبختی دیگران بنا نکن.

از شوکت و اعتبار به زیر آمده بود.

در اوج آسایش به سر می‌برد.

به گذشته‌ای که پشت سر گذاشته‌ای فکر نکن.

ناامیدی او را در کام خود فرو برد.

بر فراز زندگی‌اش شعاع‌هایی از امید پدیدار شده بود.

واژه‌های «روی»، «زیر»، «اوج»، «پشت»، «فرو»، «فراز» برای دلالت به مفاهیم جهتی به کار می‌روند؛ ولی چنانکه از این نمونه‌ها بر می‌آید این واژه‌ها می‌توانند در مفاهیم استعاری نیز به کار روند.

باتوجه به آنچه گفته شد، پرسش اصلی پژوهش حاضر از این قرار است: در قرآن کریم الفاظ جهتی به چه میزان و در کدام معانی استعاری به کار رفته‌اند؟ فرضیه مرتبط با این پرسش مبین این است که در قرآن کریم الفاظ جهتی به میزان گسترده‌ای در معانی استعاری به کار می‌روند.

برای پاسخگویی به این پرسش، نرم‌افزار «نور» با کلیدواژه‌های «فوق، تحت، وراء، خلف، امام، یمین، شمال» جستجو گردید؛ و آیاتی که در آن‌ها این جهات در ساخت استعاره به کار رفته بود، در کل قرآن مشخص گردید. با این شیوه شصت شاهد به دست آمد که در آن‌ها جهات ذکر شده در قالب استعاره مفهومی درک می‌شد؛ به بیان دیگر، جهات به عنوان حوزه‌های شناختی مبدأ در بیان استعاری قرآن به کار رفته‌اند تا مفاهیم پیچیده‌ای چون «منزلت، برتری، زمان، خیر و برکت» و جزآن توصیف و قابل درک شوند. تحلیل داده‌های مقاله حاضر شیوه‌های کاربرد منحصر به فردی از واژه‌های جهتی را در نقش استعاری در قرآن می‌نمایاند که می‌تواند به مثابه یکی از ویژگی‌های معناشناختی قرآن معرفی گردد. لازم به ذکر است که این پژوهش گام نخست در بررسی استعاره‌های مفهومی جهتی در قرآن کریم است و زمینه‌ساز پژوهش‌هایی است که در آنها این مفاهیم در بافت آیات و سوره‌های قرآن کریم تحلیل و پژوهش می‌شود.

۲. پیشینه پژوهش

اگرچه بررسی استعاره در سنت زبان‌شناسی قرآن قدمت بسیار دارد، بررسی استعاره با رویکرد لیکاف و جانسون (1980) در قرآن کریم موضوعی متأخر است و راه را برای پژوهش‌های گسترده‌تر همچنان باز گذارده است. در این بخش، پژوهش‌های انجام شده بر قرآن از منظر زبان‌شناسی شناختی بررسی می‌شوند.

لسانی فشارکی و اکبری‌راد (۱۳۸۶) برای درک مفاهیم واژه‌های کلیدی قرآن با استفاده از روابط معنایی در سطح جمله و همچنین بافت زبانی و یا تقابل معنایی یک واژه، با واژه‌های دیگر، شناختی دقیق‌تر از واژه‌های قرآنی ارائه داده‌اند. احمدزاده (۱۳۸۷) بر پایه نگره زبان‌شناسی سیستمی-نقشی هلیدی، تفسیری زبان‌شناختی از سوره عصر ارائه داده و نکاتی جدید در معناشناسی این سوره ارائه کرده است. قائمی‌نیا (۱۳۸۸) زبان قرآن را به دلیل ویژگی

استعاری زبان دین، استعاری دانسته و به تبیین چند نمونه از استعاره‌های کلیدی قرآن از جمله استعاره نور پرداخته است. هوشنگی و سیفی‌پرگو (۱۳۸۸) برخی حوزه‌های مفهومی مبدأ در قرآن را بررسی کرده‌اند و معتقدند مهم‌ترین حوزه‌های مفهومی در قرآن عبارت‌اند از: بدن، حیوانات، گیاهان، ابزارها و ماشین‌ها، تجارت و کسب‌وکار و مانند آن. شیرین پورابراهیم و همکاران (۱۳۸۸) با بررسی عبارات استعاری قرآنی - که حاوی کانون‌های استعاری (مانند: فوق، دون، علی، اعلی، هبط، وجزاین‌ها) هستند - به بررسی زبان‌شناختی استعاره جهتی بالا/پایین در نیمه اول قرآن پرداخته و در پی این بوده‌اند تا بدانند کدام تصورات انتزاعی دینی، با توسل به مفاهیم عینی جهتی بالا و پایین تصویرسازی شده‌اند و چه ارتباط نظام‌مندی میان این دسته از عناصر وجود دارد. کردزعفرانلوکامبوزیا و حاجیان (۱۳۸۹) نیز به بررسی تقابلهای «بالا یا پایین، جلو یا پشت، راست یا چپ، مرکزی یا حاشیه‌ای، درون یا بیرون» در قرآن پرداخته‌اند تا ببینند چگونه مفاهیم انتزاعی-معنایی قرآن از طریق استعاره‌های جهتی آن معرفی شده است. ساسانی و آزادی (۱۳۹۱) به تحلیل مؤلفه‌های معنایی حق در قرآن کریم با بهره‌گیری از شیوه هم‌نشینی و جانشینی پرداخته‌اند تا مؤلفه‌های معنایی‌ای که میان جانشین‌ها و هم‌نشین‌های حق مشترک است، بر پایه واژه‌های برگزیده مشخص شود. بیدادیان و حق‌بین (۱۳۹۴) تغییرات نحوی در روند ترجمه قرآن کریم به زبان فارسی را بر مبنای نظریه ایکس تیره بررسی کرده‌اند و به بررسی نوع گروه‌های نحوی در قرآن و نوع و میزان تغییرات این گروه‌ها در روند ترجمه پرداخته‌اند.

غیرایرانیان نیز پژوهش‌های قابل‌توجهی از دیدگاه زبان‌شناسی بر قرآن انجام داده‌اند که می‌توان از نمونه‌هایی بدین‌شرح یاد کرد:

اویدا^۵ (2006) استعاره‌های زمان را در سه ترجمه انگلیسی از قرآن بررسی کرده و به این مسئله پرداخته است که آیا در ترجمه انگلیسی قرآن نیز این استعاره‌ها منتقل شده‌اند. شکر عبدالمنعم^۶ (2006) با رویکرد معناشناسی شناختی به مفهوم استعاری «زندگی سفر است» و نمود این استعاره در قرآن و استعاره‌های مرتبط با آن می‌پردازد. حسن المشهدانی^۷ (2010) با رویکردی شناختی و فرهنگی، به معنای مردن و مرگ در زبان عربی و چگونگی شکل‌گیری تفکر اعراب از راه استعاره‌های شناختی و گفتمان‌های متعاقب آن در زمینه مرگ‌ومیر پرداخته است. برادا^۸ (Undated) به بررسی استعاره‌های نور و ظلمت در قرآن و نقش ارزشمند آن در انتقال فهم انسان

از عالم الهی اهتمام ورزیده است؛ اما بررسی استعاره‌های جهتی در کل قرآن و نیز بررسی این استعاره‌ها به صورت مشخص در جهات شش‌گانه و نیز ارائه نمودارهای نشان‌دهنده بسامد و ارائه کمی آن‌ها کاری است که در این پژوهش انجام یافته است.

۳. ملاحظات نظری

در این بخش به معرفی استعاره مفهومی و انواع طبقات آن، به‌طور خاص استعاره جهتی پرداخته می‌شود.

۳-۱. استعاره مفهومی

یکی از کلیدواژه‌ها در نظریه استعاره‌های مفهومی، نگاشت^۹ است. این اصطلاح از ریاضیات به زبان‌شناسی وارد شده است و به تناظرهای نظام‌مندی دلالت می‌کند که میان برخی حوزه‌های مفهومی وجود دارد. گرادی^{۱۰} (190: 2007) به مفهوم‌سازی استعاری «ملت» بر مبنای حوزه مبدأ «کشتی» در زبان انگلیسی اشاره می‌کند. افراشی و مقیمی‌زاده (۱۳۹۳)، به مفهوم‌سازی استعاری «ملت» بر مبنای حوزه مبدأ «کاروان» در زبان فارسی اشاره می‌کنند؛ نمونه‌های الف و ب این ساخت استعاری را نشان می‌دهند.

الف) مردم به ندای قافله‌سالار خود لَبَّیک می‌گویند.

ب) ملت ایران برای رسیدن به سرمنزل مقصود از گردنه‌های صعب‌العبوری گذر کرده است.

هر استعاره مفهومی دارای یک حوزه مبدأ، یک حوزه مقصد و یک نگاشت مبدأ بر مقصد است (Lakoff, 1987: 276). باتوجه به نمونه‌های یادشده، حوزه مبدأ «کاروان»، حوزه مقصد «ملت» و رابطه میان این دو حوزه، نگاشت است.

ویژگی اصلی نظریه استعاره‌های مفهومی یا استعاره‌های متعارف^{۱۱} آن‌گونه که از سوی لیکاف و جانسون مطرح شده است، اینکه استعاره ویژگی الفاظ زبانی منفرد و معانی‌شان نیست؛ بلکه ویژگی حوزه‌های مفهومی است. درواقع، هر مفهومی از حوزه مبدأ می‌تواند برای تبیین یک مفهوم دیگر از حوزه مقصد به‌کار رود (Craft, 2004: 195).

لیکاف و جانسون (1980)، استعاره‌های مفهومی را با توجه به ویژگی‌های حوزه مبدأ، در سه طبقه قرار دادند: استعاره‌های ساختی^{۱۲}، استعاره‌های جهتی^{۱۳}، استعاره‌های هستی‌شناختی^{۱۴}. سپس لیکاف و ترنر^{۱۵} (1989) طبقه دیگری را تحت عنوان استعاره‌های تصویری^{۱۶} به این طبقه‌بندی افزودند و کووچش^{۱۷} (2010) از کلان استعاره‌ها^{۱۸} به عنوان پنجمین طبقه استعاره‌های مفهومی نام بر. دو طبقه استعاره‌های تصویری و کلان استعاره‌ها را - که با موضوع پژوهش حاضر کمتر ارتباط دارند - از این مبحث کنار گذارده می‌شوند و به معرفی اجمالی سه طبقه دیگر اکتفا می‌شود.

۳-۲. انواع استعاره مفهومی

۳-۲-۱. استعاره‌های ساختی

استعاره‌های ساختی، وظیفه سازمان‌دهی و قالب‌بندی یک «مفهوم» را در حوزه یک «مفهوم» دیگر، به گونه‌ای نظام‌مند، برعهده دارند (Nubiola, 2000: 75). به عبارت دیگر، نقش شناختی این استعاره‌ها این است که امکان درک حوزه مقصد الف را از راه ساختارحوزه مبدأ ب، برای زبان‌ور فراهم می‌کنند (Kövecses, 2010: 37). برای نمونه، در نگاشت استعاری «زمان پول است»، شاهد شکل‌گیری یک نظام منسجم در ذهن سخنگویان فارسی‌زبان هستیم که در آن، زمان، یک شیء مادی و باارزش فرض شده است. باز نمود این نگاشت را در نمونه ج می‌توان دید:

ج) می‌توانم کمی دیگر زمان قرض بگیرم؟

۳-۲-۲. استعاره‌های هستی‌شناختی

تجربه انسان از رویاروی با پدیده‌های جهان خارج به ویژه اشیاء، مبنای شکل‌گیری گستره وسیعی از استعاره‌های هستی‌شناختی را فراهم می‌کند (Lakoff & Johnson, 1980: 23). استعاره‌هایی که از راه آن‌ها یک مفهوم انتزاعی به واسطه در نظر گرفتنش به عنوان یک شیء، ماده، ظرف و یا یک شخص به شکلی ویژه مقوله‌سازی می‌شود، در طبقه استعاره‌های هستی‌شناختی معرفی می‌شود (افراشی و همکاران، ۱۳۹۱: ۸). استعاره‌های هستی‌شناختی «مفاهیم غیرمادی و غیرفیزیکی» را به گونه‌ای مفهوم‌سازی می‌کنند که گویی فیزیکی و تجربه‌پذیرند (افراشی و حسامی ۱۳۹۲ به نقل از اُرتیث دیاث گِرا^{۱۹}، 2009: 60). به نمونه‌های د

تا و توجه کنید:

(د) ترس بر قلبش دشنه می‌زد.

(ه) من به سوی امیدهایم می‌رفتم.

(و) در سرخوشی‌های زودگذر غوطه‌ور بود.

در نمونه د، حوزه مفهومی ترس براساس حوزه مبداء انسان قابل‌درک شده است. در مثال (ه) مفهوم امید بر اساس حوزه مبداء مکان دریافت شده، و در مثال (و) سرخوشی و لذت بر اساس حوزه مبداء سیالی در ظرف قابل‌درک شده است.

۳-۲-۳. استعاره‌های جهتی

استعاره‌های جهتی با مفاهیمی که نشان‌دهنده جهت و موقعیت مکانی هستند (مانند بالا/ پایین، درون/ بیرون، جلو/ عقب، عمق/ سطح، مرکز/ حاشیه) در ارتباطاند (افراشی و همکاران، ۱۳۹۱: ۸). باید توجه داشت که اگرچه این استعاره‌ها، دل‌خواهی^۲ نیستند و از تجارب فیزیکی ما ناشی می‌شوند، بسته به فرهنگ‌های مختلف می‌توانند تغییر کنند (Ortiz Diaz Guerra, 2009: 59). لیکاف و ترنر (1989: 99) استعاره‌های جهتی را استعاره‌های طرح‌واره‌ای نامیده‌اند و کووچش (2010: 40) اصطلاح «استعاره‌های انسجامی»^۲ را برای استعاره‌های جهتی پیشنهاد کرده و معتقد است این اصطلاح، نقش شناختی این طبقه از استعاره‌های مفهومی را بهتر معرفی می‌کند. بسیاری از مفاهیم انتزاعی به دلیل شناخت و درک انسان از جهت‌ها که معرف ویژگی‌های مکان هستند درک می‌شوند؛ برای روشن‌شدن موضوع به نمونه‌های زیر توجه کنید:

(ز) به‌رغم مشکلات، روحیه بالایی داشت.

(ح) در اوج شادی به سر می‌بردم.

(ط) اعتماد به نفسم بسیار پایین آمده بود.

(ی) به آینده‌ای که پیش رو داری فکر کن.

در نمونه ز، اوضاع روحی خوب در «بالا»، در نمونه ح، شادی در «بالا»، در نمونه ط، اعتمادبه‌نفس نامطلوب در «پایین» و در نمونه ی، زمان آینده در «جلو» توصیف شده است. به‌بیان‌دیگر، مفاهیم جهتی برای قابل‌درک‌ساختن حوزه‌هایی انتزاعی مانند اوضاع روحی، وضعیت و زمان به‌کاررفته است.

۴. تحلیل داده‌ها

زیبایی و ژرفای زبان و سبک قرآن در کنار محتوای بی‌نظیر و بی‌بدیل آن از دیرباز زبان‌پژوهان را مسحور کرده است و سنتی دیرینه در تاریخ مطالعات زبانی به وجود آورده است. یکی از ویژگی‌های زبان قرآن بی‌تردید استعاره‌های ژرف و پرمغزی است که فهم و تعقل انتزاعی را به چالش می‌گیرد. این پژوهش جستاری است در مطالعه گونه‌هایی از استعاره‌های قرآنی که بر مبنای مفاهیم جهتی شکل گرفته‌اند.

برای بررسی استعاره‌های مفهومی جهتی در قرآن کریم ابتدا نرم‌افزار «نور» با کلید واژه‌های «فوق، تحت، وراء، خلف، امام، یمین، شمال» جست‌وجو شد و آیاتی که در آن‌ها این جهات در ساخت استعاره به کار رفته بود، در کل قرآن مشخص گردید. با این شیوه ۶۰ شاهد به دست آمد که در آن‌ها جهات ذکر شده در قالب یک استعاره مفهومی درک می‌شد. اکنون به ذکر اسم‌نگاشت‌های استخراجی و ارائه نمونه‌های به دست آمده می‌پردازیم. پیش از آن در مورد هر جهت ابتدا معنای لغوی آن با ارجاع به کتب واژه‌شناسی آیات قرآن بیان می‌گردد. لازم به ذکر است در هر آیه فقط همان قسمتی که نشان‌دهنده مفهوم استعاری است آورده شده و قسمت‌های پیش و پس آیه در صورت حذف با نقطه‌چین نمایش داده شده است. به دلیل ساختار پژوهش که در قالب مقاله است، امکان آوردن همه نمونه‌ها وجود نداشته است؛ اما در ارائه نمودارها همه نمونه‌ها در نظر گرفته شده‌اند.

۴-۱. اسم‌نگاشت‌های استخراجی بر مبنای جهت «فوق»

فوق به معنای بالا (قریشی، ۱۳۷۱، ج ۵: ۲۱۲). بالا، مقابل تحت (فیومی، ۱۴۱۴، ج ۲: ۴۸۴).

۴-۱-۱. منزلت بالا است

این اسم‌نگاشت در قالب نمونه ۱ آمده است

۱. آل عمران: ۵۵ «... وَ جَاعِلُ الَّذِينَ اتَّبَعُوكَ فَوْقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ...»^{۲۲}

۲-۱-۴. بیشتر بالا است

نمونه‌های ۲ و ۳ این اسم‌نگاشت را نشان می‌دهند

۲. النحل: ۸۸ «...زِدْنَاهُمْ عَذَابًا فَوْقَ الْعَذَابِ...»^{۲۳}

۳. الحجرات: ۲ «...لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ...»^{۲۴}

۳-۱-۴. برتر بالا است

این اسم‌نگاشت در قالب نمونه‌های ۴ و ۵ آمده است.

۴. بقره: ۲۶ «إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَا بَغُوضَةً فَمَا فَوْقَهَا...»^{۲۵}

۵. الأنعام: ۱۶۵ «... وَ رَفَعَ بَعْضُكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ...»^{۲۶}

۴-۱-۴. قدرت بالا است

باز نمود این اسم‌نگاشت در شاهدهای ۶ و ۷ دیده می‌شود.

۶. الفتح: ۱۰ «...يُدِّ اللَّهُ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ...»^{۲۷}

۷. الأنعام: ۱۸ «وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ...»^{۲۸}

۲-۴. اسم‌نگاشت‌های استخراجی برمبنای جهت «تحت»

تحت به معنای زیر، مقابل فوق (قریشی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۲۶۷؛ فیومی، ۱۴۱۴، ج ۲: ۷۳؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۶۴).

۱-۲-۴. بی‌ارزشی پایین است

این اسم‌نگاشت در قالب نمونه ۸ آمده است.

۸. فصلت: ۲۹ «...نَجْعَلُهُمَا تَحْتَ أَقْدَامِنَا لِيَكُونَا مِنَ الْأَسْفَلِينَ...»^{۲۹}

۳-۴. اسم‌نگاشت‌های استخراجی برمبنای جهت «وراء»

وراء به معنای: پس و پیش (امام و خلف) است و در هردو به‌کار می‌رود (قریشی، ۱۳۷۱، ج ۷).

ص: ۲۰۴؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۶۷؛ فیومی، ۱۴۱۴، ج ۲: ۶۵۶).

۱-۳-۴. بی‌توجهی پشت سر است

باز نمود این اسم‌نگاشت در نمونه‌های ۹ و ۱۰ مشاهده می‌شود.

۹. البقرة: ۱۰۱ «...نَبَذَ فَرِيقٌ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ كِتَابَ اللَّهِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ...»^{۳۰}

۱۰. الانشقاق: ۱۰ «وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ»^{۳۱}

۲-۳-۴. گذشته پشت سر است

نمونه ۱۱ این اسم‌نگاشت را می‌نماید.

۱۱. الحديد: ۱۳ «...قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا...»^{۳۲}

۳-۳-۴. (زمان) آینده پشت سر است

نمونه ۱۲ این اسم‌نگاشت را نشان می‌دهد.

۱۲. الإنسان: ۲۷ «...وَيَذُرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا»^{۳۳}

تعبیر به «وراءهم» (پشت سرشان) با اینکه باید قاعدتاً پیش روی آن‌ها گفته شود، به خاطر آن

است که این‌ها آن روز را به دست فراموشی می‌سپارند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۵: ۳۸۲).

۴-۳-۴. فراتر/بیش‌تر جلوتر است

این اسم‌نگاشت در قالب نمونه‌های ۱۳ و ۱۴ آمده است.

۱۳. النساء: ۲۴ «...وَأَحِلُّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ...»^{۳۴}

۱۴. المؤمنون: ۷ «فَمَنْ أْتَعَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ»^{۳۵}

۵-۳-۴. (زمان) آینده پیش‌رو است

نمونه ۱۵ این اسم‌نگاشت را می‌نماید.

۱۵. هود: ۷۱ «...وَمِنْ وَرَاءِ إِسْحَاقَ يُعْقُوبُ»^{۳۶}

۴-۴. اسم‌نگاشت‌های استخراج شده بر مبنای جهت «خلف»

خلف به معنای: پس، پشت سر (قریشی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۲۸۴؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۹۳).

۴-۴-۱. (زمان) گذشته پشت سر است

این اسم‌نگاشت در قالب نمونه ۱۶ آمده است.

۱۶. الأحقاف: ۲۱ «...وَقَدْ خَلَّتِ النَّذْرُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ...»^{۳۷}

۴-۴-۲. (زمان) آینده پشت سر است

نمونه‌های ۱۷ و ۱۸ باز نمود این اسم‌نگاشت را نشان می‌دهد.

۱۷. یونس: ۹۲ «...لِتَكُونَ لِمَنْ خَلَّفَكَ آيَةً وَ...»^{۳۸}

۱۸. آل عمران: ۱۷۰ «...وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ.»^{۳۹}

توضیح اینکه: تعبیر به «پشت سر» برای آینده به خاطر آنست که هنوز نیامده، گویی پشت سر انسان در حرکت است و سرانجام روزی به او می‌رسد و دامانش را می‌گیرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۸: ۳۹۹).

۴-۴-۳. اسم نگاشت «(زمان) آینده/ گذشته پشت سر است»

به نمونه‌های ۱۹ و ۲۰ توجه کنید:

درواقع، در این نمونه‌ها هم زمان گذشته و هم زمان آینده قابل برداشت است و این امر به چگونگی تفسیر بستگی دارد.

۱۹. مریم: ۶۴ «وَمَا نَنْزِلُ إِلَّا بِأَمْرِ رَبِّكَ لَهُ مَا بَيْنَ أَيْدِينَا وَ مَا خَلْفَنَا وَ...»^{۴۰}

۲۰. فصلت: ۴۲ «لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ لَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ.»^{۴۱}

۴-۵. اسم‌نگاشت‌های استخراجی بر مبنای جهت «امام»

امام (بفتح اول) به معنای جلو (قریشی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۱۲۰).

۱-۵-۴. (زمان) آینده جلو است

نمونه ۲۱، این اسم‌نگاشت را نشان می‌دهد.

۲۱. القیامة: ۵ «بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ»^{۴۲}

۶-۴. اسم‌نگاشت‌های استخراجی برمبنای جهت «یمین»

یمین به معنای دست راست و طرف راست، و ایمن نیز نظیر یمین است و در قرآن مجید به معنی طرف راست به‌کاررفته‌است (قریشی، ۱۳۷۱، ج: ۷؛ ۲۷۳؛ فیومی، ۱۴۱۴: ۶۸۲). یمینه را راغب و جوهری هم طرف راست معنی کرده‌اند (قریشی، ۱۳۷۱، ج: ۷؛ ۲۷۲).

۱-۶-۴. خوب و مطلوب راست است

این اسم‌نگاشت در قالب نمونه‌های ۲۲ تا ۲۶ آمده است.

۲۲. البلد: ۱۸ «أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْمِثْمَةِ»^{۴۳}

بنابراین، آن‌ها که به بهشت بروند اصحاب یمین (راست) نامیده می‌شوند.

۲۳. الحاقه: ۱۹ «فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَقُولُ هَاؤُمُ اقْرَؤْ كِتَابِيَهٗ»^{۴۴}

در این آیه نیز می‌خوانیم که روز قیامت نامه عمل برای افرادی که اهل بهشت هستند به «دست راست» آن‌ها داده می‌شود.

۲۴. تحریم: ۸ «وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعَى بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ يَقُولُونَ...»^{۴۵}

در این آیه، «نور» که مایه روشنی و چیز دلخواهی است در «سمت راست» وجود دارد.

۲۵. ق: ۱۷ «إِذْ يَتَلَقَى الْمُتَلَقِيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشَّمَالِ قَعِيدٌ»^{۴۶}

در اینجا نیز فرشته سمت راست اعمال نیک انسان و فرشته سمت چپ اعمال بد او را ضبط می‌کنند؛ بازهم به‌طور استعاری خوبی با جهت «راست» نشان داده می‌شود.

۲۶. العنكبوت: ۴۸ «وَمَا كُنْتَ تَتْلُوا مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَخُطُّهُ بِيَمِينِكَ إِذًا لِآرْتَابِ الْمُبْطُلُونَ»^{۴۷}

در این نمونه، برای نوشتن که یک عمل مفید است از لفظ «دست راست» نیز استفاده شده است.

۲-۶-۴. خیر و برکت (سمت) راست است

این اسم‌نگاشت در قالب نمونه‌های ۲۷ تا ۲۹ آمده است.

۲۷. مریم: ۵۲ «وَنَادَيْنَاهُ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَقَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا»^{۴۸}

۲۸. القصص: ۳۰ «فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ مِنْ شَاطِئِ الْوَادِ الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ...»^{۴۹}

اینجا نیز برای اشاره به مکانی که با خیر و برکت همراه است، از جهت «راست» به شکل استعاری استفاده شده است.

۲۹. الصافات: ۲۸ «قَالُوا إِنَّا كُنْتُمْ تَاتُونَنَا عَنِ الْيَمِينِ»^{۵۰}

یعنی شما از در خیر و نصیحت وارد شدید؛ استعاره از اینکه هرآنچه خوب است در جهت «راست» قرار دارد.

۳-۶-۴. قدرت (سمت) راست است

نمونه‌های ۲۹، ۳۰ و ۳۱ باز نمود این اسم‌نگاشت هستند

درحقیقت نمونه ۲۹، افزون بر توضیحی که پیش‌تر آمد (ر.ک. ۲-۶-۴)، حامل این پیام نیز است که «شما با اتکاء بر قدرت به سراغ ما می‌آمدید»؛ زیرا اغلب سمت راست قوی‌تر است، به همین دلیل، غالب مردم کارهای مهم را با دست راست انجام می‌دهند؛ بنابراین، این تعبیر کنایه از «قدرت» شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۹: ۳۹).

۳۰. صافات: ۹۳ «فَرَاغَ عَلَيْهِمْ ضَرْبًا بِالْيَمِينِ»^{۵۱}

۳۱. الزمر: ۶۷ «...وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ...»^{۵۲}

۷-۴. اسم‌نگاشت‌های استخراجی بر مبنای جهت «شمال»

شمال به معنای چپ. ضدّ یمین (قریشی، ۱۳۷۱، ج ۴: ۷۰؛ فیومی، ۱۴۱۴، ج: ۳۲۳؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۶۴).

۱-۷-۴. بدی و شومی (سمت) چپ است

باز نمود این اسم‌نگاشت در نمونه‌های ۲۵، ۳۲ و ۳۳ آمده است.

۲۵. ق: ۱۷ «إِذْ يَتَلَفَّى الْمُتَلَفِّيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشَّمَالِ قَعِيدٌ»

۳۲. الواقعة: ۹ «وَأَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ»^{۵۳}

۳۳. الحاقة: ۲۵ «وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ...»^{۵۴}

فردی که روانه جهنم خواهد شد، نامه عمل او را به دست چپش خواهند داد.

۸-۴. نکته

درباره واژه «یمین» توجه به این نکته حائز اهمیت است که واژه یادشده به معنی قسم و پیمان نیز می‌آید (فیومی، ۱۴۱۴: ۶۸۲). در واقع، این واژه دچار گسترش معنایی^{۵۵} شده است؛ یعنی دایره دلالت آن توسعه یافته است. قریشی (۱۳۷۱، ج ۷: ۲۷۳) در *قاموس قرآن* چنین می‌گوید: «سوگند را از آن جهت، درمجاز، یمین گفته‌اند که عرب چون با یکدیگر پیمان می‌بستند و هم‌سوگند می‌شدند، دست راست یکدیگر را می‌فشرده‌اند». راغب (۱۴۱۲: ۸۹۴) نیز آن را تصریح کرده است. بنابراین، چندمعنایی بیشتر معلول کاربرد واژه به معنای جنبی و مجازی آن است. نمونه ۳۴ و ۳۵ کاربرد این واژه را در معنای مجازی نشان می‌دهند:

۳۴. النحل: ۹۱ «وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَ...»^{۵۶}

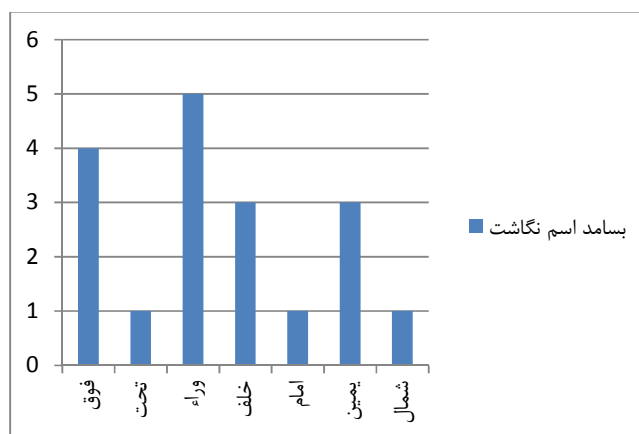
۳۵. نور: ۳۳ «... وَالَّذِينَ يَبْتِغُونَ الْكِتَابَ مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ فَكَأَيُّهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا...»^{۵۷}

۹-۴. تحلیل کمی داده‌ها

در شصت نمونه از آیات قرآن، جهات «فوق، تحت، وراء، خلف، امام، یمین، شمال» کارکرد استعاری داشتند. همان‌طور که پیش‌تر آمد، گردآوری آیات از راه جست‌وجوی کلیدواژه‌های یادشده در نرم‌افزار نور (ر.ک. *جامع‌التفاسیر نور*، ۱۳۹۰) انجام شد. از این شمار، یازده نمونه به چهار اسم‌نگاشت استخراجی از جهت «فوق» اختصاص داشت؛ جهت «تحت» و «امام» هرکدام تنها در یک نمونه از آیات قرآن به صورت استعاری دریافت شد و هرکدام یک اسم‌نگاشت را نشان داد. جهت «وراء» در یازده نمونه از کاربرد استعاری خود در آیات قرآن، نشان‌دهنده پنج اسم‌نگاشت بود. جهت «خلف» چهارده نمونه، کاربرد استعاری را در قالب سه اسم‌نگاشت نشان داد. جهت «یمین» در بیست نمونه از آیات قرآن به شکل استعاری آمد که در قالب سه اسم‌نگاشت قابل طبقه‌بندی هستند و در ده نمونه نیز بسط معنایی یافته‌اند و کاربرد مجازی دارند که توضیح آن

در بخش ۴-۸، این مقاله آمده است. جهت «شمال» در ۳ نمونه در آیات قرآن و در قالب یک اسمنگاشت به شکل استعاری به کار رفته است. لازم به ذکر است، نمونه‌های شماره ۲۵ و ۲۹ هرکدام دوبار و در دو اسمنگاشت متفاوت آمده‌اند؛ بنابراین، در تهیه نمودارها مجموع آیات ۶۲ در نظر گرفته شده است.

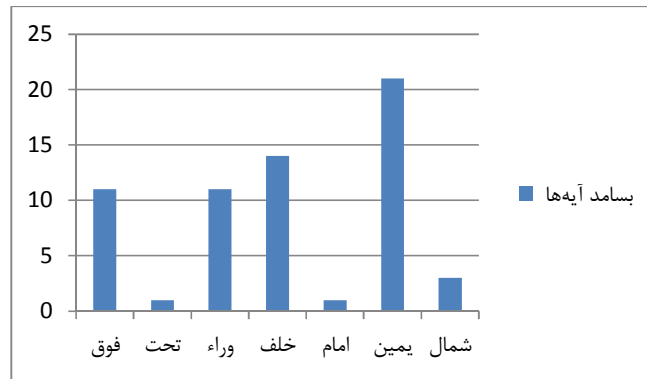
نمودار ۱، بسامد اسمنگاشت‌های استخراجی از هریک از این هفت جهت را در این آیات نشان می‌دهد. نمودار ۲، بسامد آیه‌هایی را نشان می‌دهد که این اسمنگاشت‌ها در آن‌ها آمده‌اند و نمودار ۳، نشان می‌دهد که از شمار کل آیاتی که این جهات در آن‌ها کاربرد استعاری دارند، کدام جهات درصد بالاتری از بیان استعاری را دارا هستند.



نمودار ۱ بسامد اسمنگاشت‌ها در هر جهت

Chart1. The Frequencies of the Name of The Mappings in Each Direction

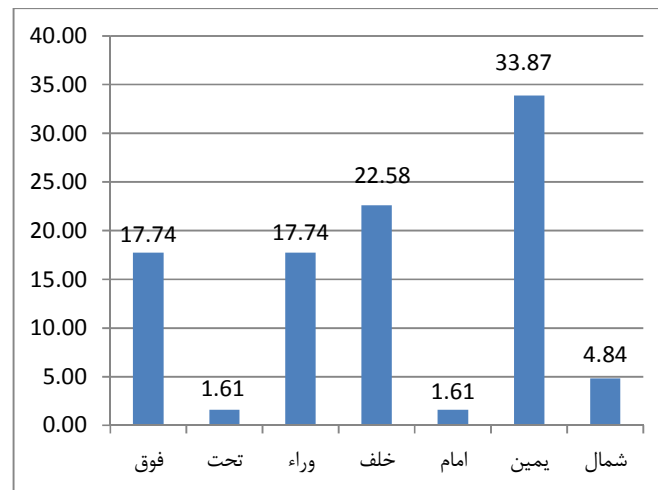
همان‌طور که مشاهده می‌شود، به ترتیب جهات «وراء»، «فوق»، «خلف» و «یمین» بسامد بالاتری را نسبت به سایر جهات نشان می‌دهند.



نمودار ۲ بسامد شمار آیات در مجموع اسم‌نگاشت‌های استخراجی از هر جهت

Chart2. The Frequencies of The Number of Verses According to The Name of the Mappings of Each Direction in Total

چنان‌که مشاهده می‌شود، بسامد آیه‌ها به‌ترتیب در جهت «یمین» سپس جهت «خلف» و پس از آن، در جهات «وراء» و «فوق» بالاتر از سایر جهات است.



نمودار ۳ درصد باز نمود استعاری هر جهت نسبت به کل مجموعه

Chart3. The Percentage of Metaphorical Representation of Each Direction Comparing to The Whole Collection

همان‌طور که مشاهده می‌شود، جهت «یمین» با ۳۳/۸۷ درصد، بیش از سایر جهات در آیات قرآن کریم به شکل استعاری به‌کاررفته است.

۵. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر، این نتیجه کلی را دربرداشت که هفت واژه جهت‌نمای فوق، تحت، وراء، خلف، أمام، یمین و شمال در قرآن در شصت نمونه، در کاربرد استعاری به‌کاررفته‌بودند. این یافته یکی از ویژگی‌های سبک‌شناختی بیان استعاری قرآن را می‌نمایاند که براساس آن، واژه‌هایی که به‌لحاظ مفهومی از جایگاه بنیادی و مبنا برخوردارند و واژه‌های پیچیده‌ای به‌لحاظ ساخت و معنی به نظر نمی‌رسند، در بیان استعاری به‌کارگرفته‌شده‌اند. براساس این هفت واژه جهت‌نما، چهارده اسم‌نگاشت در قرآن شکل گرفته است و مفاهیم «منزلت، کمیت، برتری، قدرت، ارزش، آگاهی، زمان، پسندیدگی، خیر و برکت، بدی» که مفاهیمی پیچیده و درخور تأمل و نیز انتزاعی‌اند، براساس این هفت واژه جهت‌نما در قالب استعاره توصیف شده‌اند.

از آن‌میان، واژه جهت‌نمای «وراء» از بیشترین میزان اسم‌نگاشت برخوردار بود؛ یعنی زایایی استعاری بیشتری نسبت به سایر واژه‌های جهت‌نما داشت.

واژه جهت‌نمای «یمین» نسبت به سایر جهت‌نماها با بسامد بیشتری به‌کاررفته‌بود؛ البته تبیینی که در این مقاله درباره بسط معنایی واژه یمین (۴-۸) ارائه شد، می‌تواند توجیهی برای بسامد وقوع بالای این واژه به‌شمار رود.

از دیگر یافته‌های قابل‌توجه در مقاله حاضر، بیان استعاری مفهوم «زمان»، به کمک واژه‌های جهت‌نما است. دراساس، درک مفهوم زمان در قرآن، پژوهش‌های فراتری را طلب می‌کند که می‌تواند با استناد به نقش واژه‌های جهت‌نما تاحدی امکان‌پذیر شود.

۶. پی‌نوشت‌ها

1. *Metaphors we live by*
2. G. Lakoff
3. M. Johnson
4. contemporary theory of metaphor



5. S. Eweida
6. M. Shoker Abdulmoneim
7. A.A. Hassan Al-Meshhedany
8. Kh. Berrada
9. mapping
10. J. E. Grady
11. conventional
12. structural metaphors (metáforas estructurales)
13. orientational Metaphors (metáforas orientacionales)
14. ontological Metaphors (metáforas ontológicas)
15. M. Turner
16. image metaphors (metáforas de imagen)
17. Zoltán Kövecses
18. megametaphors
19. Ortiz Diaz Guerra
20. arbitrario
21. coherence metaphor

۲۲. آل عمران: ۵۵ «... و کسانی را که از تو پیروی کردند، تا روز رستاخیز، برتر از کسانی که کافر شدند، قرار می‌دهم.»

۲۳. نحل: ۸۸ «... عذابی بر عذابشان می‌افزایم.»

۲۴. حجرات: ۲ «... صدای خود را فراتر از صدای پیامبر نکنید، و ...»

۲۵. بقره: ۲۶ «خداوند از اینکه مثال (به موجودات ظاهراً کوچکی مانند) پشه و حتی بالاتر از آن بزند، شرم نمی‌کند...»

۲۶. انعام: ۱۶۵ «... و بعضی را بر بعضی دیگر، درجاتی، برتری داد ...»

۲۷. فتح: ۱۰ «... و دست خدا بالای دست آن‌هاست ...»

۲۸. انعام: ۱۸ «اوست که بر تمام بندگان خود قاهر و مسلط است ...»

۲۹. فصلت: ۲۹ «... تا زیر پای خود بگذاریم تا از پست‌ترین مردم باشند.»

۳۰. بقره: ۱۰۱ «... جمعی از آنان که دارای کتاب بودند، کتاب خدا را پشت سر افکندند ...»

۳۱. الانشقاق: ۱۰ «و اما کسی که نامه اعمالش پشت سرش داده شده.»

۳۲. حدید: ۱۳ «... به آن‌ها گفته می‌شود: به پشت سر خود بازگردید و کسب نور کنید ...»

۳۳. الانسان: ۲۷ «... درحالی‌که پشت سر خود روز سخت و سنگینی را رها می‌کنند.»

۳۴. نساء: ۲۴ «... زنان دیگر غیر از این‌ها (که گفته شد) برای شما حلال است ...»

۳۵. مؤمنون: ۷ «و هر کس غیر این طریق را طلب کند، تجاوزگر است.»

۳۶. هود: ۷۱ «... او را بشارت به اسحاق و پس از او یعقوب دادیم ...»

۳۷. احقاف: ۲۱ «... درحالی‌که پیامبران زیادی پیش از او در گذشته‌های دور و نزدیک آمده بودند که جز خداوند یگانه را نپرستید...»
۳۸. یونس: ۹۲ «... تا عبرتی برای آیندگان باشی...»
۳۹. آل‌عمران: ۱۷۰ «... و به‌خاطر کسانی که پس از آن‌ها به آنان ملحق نشدند (نیز) خوش‌وقت‌اند که نه ترسی بر آن‌ها است و نه غمی خواهند داشت.»
۴۰. مریم: ۶۴ «ما جز به فرمان پروردگار تو نازل نمی‌شویم، آنچه پیش روی ما و پشت سر ما و ما بین این‌دوست، همه از آن او است...»
۴۱. فصلت: ۴۲ «که هیچ‌گونه باطلی، نه از پیش رو و نه از پشت سر، به سراغ آن نمی‌آید؛ زیرا ازسوی خداوند حکیم و شایسته ستایش نازل شده است.»
۴۲. قیامه: ۵ «(انسان شک در معاد ندارد)، بلکه او می‌خواهد (آزاد باشد و) مادام‌العمر گناه کند.»
۴۳. بلد: ۱۸ «آن‌ها اصحاب‌الیمین هستند (و نامه اعمالشان را به دست راستشان می‌دهند).»
۴۴. الحاقه: ۱۹ «اما کسی که نامه اعمالش به دست راست او است، فریاد می‌زند که نامه اعمال مرا بگیرید و بخوانید.»
۴۵. تحریم: ۸ «... این درحالی‌ست که نور آن‌ها از پیشاپیش آن‌ها و ازسوی راستشان در حرکت است و می‌گویند...»
۴۶. ق: ۱۷ «به‌خاطر بیاورید هنگامی‌که دو فرشته راست و چپ که ملازم انسان هستند، اعمال او را دریافت می‌کنند.»
۴۷. عنکبوت: ۴۸ «تو هرگز پیش از این، کتابی نمی‌خواندی و با دست خود چیزی نمی‌نوشتی، مبادا کسانی‌که درصدد ابطال سخنان تو هستند، شک و تردید کنند.»
۴۸. مریم: ۵۲ «ما او را از طرف راست (کوه) طور فرا خواندیم و او را نزدیک ساختیم و با او سخن گفتیم.»
۴۹. قصص: ۳۰ «هنگامی‌که به سراغ آتش آمد، ناگهان از ساحل راست وادی در آن سرزمین بلند و پربرکت از میان یک درخت ندا داده شد...»
۵۰. صافات: ۲۸ «گروهی می‌گویند: (شما رهبران گمراه ما) از طریق خیرخواهی و نیکی وارد شدید...»
۵۱. صافات: ۹۳ «سپس ضربه‌ای محکم با دست راست و با توجه، بر پیکر آن‌ها فرود آورد...»
۵۲. الزمر: ۶۷ «... و آسمان‌ها پیچیده در دست او...»
۵۳. واقعه: ۹ «گروه دیگر اصحاب شوم‌اند، چه اصحاب شومی!»
۵۴. الحاقه: ۲۵ «اما کسی‌که نامه اعمال او به دست چپش داده شده است، می‌گوید...»

55. Semantic Widening

۵۶. النحل: ۹۱ «هنگامی که با خدا عهد بستید، به عهد او وفا کنید و سوگندهایتان را پس از تأکید نشکنید...»
 ۵۷. نور: ۳۳ «... و بردگانی از شما که تقاضای مکاتبه دارند، با آن‌ها قرارداد ببندید، اگر رشد و صلاح در آن‌ها احساس می‌کنید...»

۷. منابع

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، چ ۵، قم: نشر اسوه.
- جامع تفاسیر نور ۲/۱ (۱۳۹۰). ویرایش ۱۴. ش شناسنامه اثر: ۱۰۵-۶۹-۳۸. مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
- احمدزاده، سیدمصطفی (۱۳۸۷). «تفسیر زبان‌شناختی سوره عصر». *مطالعات اسلامی: علوم قرآن و حدیث*. س ۴۰. پیاپی ۸۱/۳. صص ۱۱-۳۵.
- ارسطو (۱۳۸۳). *ایساجوجی و مقولات*. ترجمه محمد خوانساری. تهران: نشر دانشگاهی.
- افراشی، آریتا و تورج حسامی (۱۳۹۲). «تحلیل استعاره‌های مفهومی در یک طبقه‌بندی جدید با تکیه بر نمونه‌هایی از زبان‌های فارسی و اسپانیایی». *زبان‌شناسی تطبیقی*. س ۳. ش ۵. تابستان و پاییز. صص ۱۴۱-۱۶۵.
- _____ و همکاران (۱۳۹۱). «بررسی استعاره‌های جهتی در زبان‌های اسپانیایی و فارسی». *پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی*. د ۳. ش ۴. تهران: زمستان ۹۰. صص ۱-۲۵.
- _____ و محمدمهدی مقیمی‌زاده (۱۳۹۳). «استعاره‌های مفهومی در حوزه شرم با استناد به شواهدی از شعر کلاسیک فارسی». *زبان‌شناخت*. س ۵. ش ۲. پاییز و زمستان. صص ۱-۲۰.
- بیدادیان، فهیمه و فریده حقیبین (۱۳۹۴). «بررسی تغییرات نحوی در روند ترجمه قرآن کریم به زبان فارسی بر مبنای نظریه ایکس تیره». *جستارهای زبانی*. د ۶. ش ۵ (پیاپی ۲۶). آذر و دی. صص ۹۷-۱۲۱.
- پوراابراهیم، شیرین و همکاران (۱۳۸۸). «بررسی زبان‌شناختی استعاره جهتی بالا/ پایین در زبان قرآن، رویکرد معنی‌شناسی شناختی». *مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی*. ش

۱۲. پاییز. صص ۵۵-۸۱.
- ساسانی، فرهاد و پرویز آزادی (۱۳۹۱). «تحلیل مؤلفه‌های معنایی حق در قرآن کریم با بهره‌گیری از شیوه هم‌نشینی و جانشینی». *پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی*. د. ۳. ش ۱ (پیاپی ۹). صص ۶۷-۸۴.
 - قائمی‌نیا، علیرضا (۱۳۸۸). «نقش استعاره‌های مفهومی در معرفت دینی». *قبسات*، س ۱۴. صص ۱۵۹-۱۸۴.
 - قریشی، سیدعلی‌اکبر (۱۳۷۱). *قاموس قرآن*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
 - کردزعفرانلو کامبوزیا، عالیه و خدیجه حاجیان (۱۳۸۹). «استعاره‌های جهتی قرآن با رویکرد شناختی». *فصلنامه پازند*، س ۶، ش ۲۲-۲۳. صص ۹۹-۱۱۷.
 - لسانی فشارکی، محمدعلی و طیبه اکبری‌راد (۱۳۸۶). «کاربرد روش‌های معنی‌شناسی در قرآن کریم». *صحیفه مبین*. ش ۳۹. صص ۶۲-۷۷.
 - مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. ج ۲۷. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
 - هوشنگی، حسین و محمود سیفی‌پرگو (۱۳۸۸). «استعاره‌های مفهومی در قرآن ازمنظر زبان‌شناسی شناختی». *مجله پژوهشگاه علوم و معارف قرآن کریم*. س ۱، ش ۳. صص ۹-۳۴.
 - راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). *المفردات فی غریب القرآن*. چاپ اول. دمشق، بیروت: دارالعلم الدار الشامیه.
 - فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ق). *مصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر الرافعی*. ج ۲. طبع الثانی. قم: مؤسسه دارالاحجره

References:

- *Holy Quran*. Translated by: Naser Makarem Shirazi. 5th ed. Qom: Osveh Publisher [In Arabic].
- Afrash, A.; T. Hesami & et al., (2012). "A Study of orientational metaphors in Spanish and Persian Languages". *Comparative Literature Research (Language Related Research)*. Vol 3, No. 4. pp 1-25 [In Persian].



- Afrash, A. & T. Hesami (2013). "A new classification for analyzing conceptual metaphors: Examples from Persian and Spanish". *A Journal of Comparative Linguistics Researches*. Vol 3, No. 5. pp. 141-165 [In Persian].
- Afrashi, A.; T. Hesami & M. Moqimizade (2014). "Conceptual Metaphors of Shame in Persian Classic Poetry". *Zabanshenakht (Language studies)*. Vol 5. No. 10. pp. 1-20 [In Persian].
- Ahmadzadeh, S.M. (2008). "Linguistic interpretation of Surah Al-Asr". *Islamic Studies: Quran and Hadith Sciences*. 40th year. Tome 81/3 .pp 11-35[In Persian].
- Aristotle (2004). *Isagoge and Categories*. Translate by: Mohamad Khonsari. Tehran: University Press [In Persian].
- Berrada, Kh. (Undated). "Metaphors of Light and Darkness in the Holy Quran: A Conceptual Approach". *Faculté des Lettres et des Sciences Humaines*. Ben M'sik. Casablanca.
- Bidadian, F. & F. Haqbin (2015). "A study of syntactic changes through the translation of Quranic verses from Arabic into Persian based on X-Bar Theory". *Language Related Research (Language Related Research)*. Vol.6. No.5. (Tome26). pp 97-121 [In Persian].
- Croft, W. & D.A. Cruse (2004). *Cognitive Linguistics*. London: Cambridge.
- Eweida, S. (2006). "The realization of time metaphors and the cultural implications: An analysis of the Quran and English Quranic translations". *Special Project PK*. Stockholm University: Department of English.
- Foyomi, A. (1993). *Misbah al-Monir fi Qarib al-Sharh al-Kabir al-Rafee*. Vol.2. 2th ed. Qom. Dar al-Hijrah. [In Arabic].
- Grady, J.E. (2007). "Metaphor". In D. Geeraerts & H. Cuyckens (Eds.). *The Oxford Handbook of Cognitive Linguistics* (pp.188-213). Oxford: Oxford University Press.
- Hassan Al-Meshhedany, A. (2010). "Facing finality: Cognitive and cultural studies on death and dying "Arabic cultur". *Sohar*. Oman: Applied Science College. Ministry of Higher Education.

- Hoshangi, H. & M. Seifipargo (2009). "Conceptual metaphors in the Quran from the view point of cognitive linguistics". *Journal of Institute of Science and Education of Holy Quran*. 1th year. No.3. pp 9-34 [In Persian].
- Kordezaferanlokambozia, A. & Kh. Hajian (2010). "Orientational metaphor in Quran, A cognitive approach". *Literary Criticism*. 3th year, NO.9. pp 99-117 [In Persian].
- Kövecses, Z. (2010). *Metaphor: A Practical Introduction*. New York: Oxford University Press.
- Lakoff, G.; M. Johnson & M. Turner (1989). *More Than Good Reason: A Field Guide to Poetic Metaphor*. Chicago: University of Chicago Press.
- ----- (1993). "The Contemporary Theory of Metaphor". In A. Ortony (Ed.). *Metaphor and Thought* (pp. 202-251). Cambridge: Cambridge University Press.
- ----- (1980). *Metaphors We Live By*. Chicago: University of Chicago Press.
- ----- (1987). *Women, Fire and Dangerous Things*. What Categories Reveal about the Mind. Chicago: University of Chicago Press.
- Lesanifesharaki, M.A. & T. Akbarirad (2007). "Using of semantics methods in Holy Quran". *Sahife Mobin*. Vol.39. pp 62-72 [In Persian].
- Makarem Shirazi, N. (1995). *Tafsire Nemone*. Vol. 27. Tehran: Daralktb Alaslamyh [In Arabic].
- Noor Jami Al-Tafasir 2/1(2011). 14th ed .ISBN 978-600-5094-24-4. Computer research center of Islamic sciences. [In Arabic].
- Nubiola, J. (2000). "El valor cognitivo de las metáforas". In P. Pérez-Illzarbe y R. Lázaro (Eds.). *Verdad, Bien y Belleza. Cuando los Filósofos Hablan de los Valores* (pp. 73-84). Cuadernos de Anuario Filosófico. No. 103. Pamplona.
- Ortiz Díaz Guerra, M.J. (2009). *La Metáfora Visual Incorporada: Aplicación de la Teoría Integrada de la Metáfora Primaria a un Corpus Audiovisual*. Phd.



Dissertation. Alicante: Universidad de Alicante, Departamento de Comunicación y Psicología Social.

- Poorebrahim, Sh. & et al., (2009). “A Linguistic Study of metaphors up / down in the language of the Qur'an”. *Journal of the Iranian Association of Arabic Language and Literature*. Vol.5, NO.12. pp 55-81 [In Persian].
- Qaemini, A.R. (2009). “The role of conceptual metaphors in Religious Knowledge”. *Qabasat*. 14th year, NO.54, Pp 159-184. [In Persian].
- Qurayshi, S.A.A. (1992). *Qamoose Quran*. Tehran. Daralktb Alaslamyh. [In Arabic].
- Raqeb Esfahani, H. (1991). *Almofradat fi Qarib al-Quran*. 1th ed. Damascus, Beirut: Darallm Dar al-Shamiya. [In Arabic].
- Sasani, F. & P. Azadi (2012). “Analysis of semantic components of Haq in the Holy Quran through the study of its syntagmatic and paradigmatic relations”. *Language Related Research (Comparative Language and Literature Research)*. Vol. 3. No.1 (Tome 9). pp. 67-84. [In Persian].
- Shokr Abdulmoneim, M. (2006). “The Metaphorical Concept Life is a Journey in the Quran: a Cognitive –Semantic Analysis”. *Metaphorik.de* 10/2006. pp. 94-132.